

ضرورت جرم‌انگاری تروریسم در حقوق کیفری ایران

محمد جعفر حبیب‌زاده^{*۱}، سعید حکیمی‌ها^۲

۱- دانشیار گروه حقوق، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

۲- دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

پذیرش: ۸۵/۵/۴

دریافت: ۸۳/۱۲/۱۰

چکیده

با وجودی که پدیده تروریسم مسأله تازه‌ای نیست، اما تهدیداتی که امروزه از ناحیه این پدیده شوم متوجه جوامع مختلف است، ویژگی و حساسیت خاصی نسبت به سایر پدیده‌های حقوقی ایجاد کرده است. تهدیدات ناشی از اقدامات تروریستی، در چارچوب سرزمین معین نمی‌گنجد و به تهدیدی جهانی مبدل شده است. تروریسم، ارزشهایی که بنیان منشور ملل متحد است از قبیل: احترام به حقوق بشر، حاکمیت قانون، قوانین و مقررات ناظر به حمایت از غیر نظامیان در جنگ، بردباری و تساهل میان ملت‌ها و کشورها و حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات را هدف قرار می‌دهد [۱]. بدین سبب سازمان ملل متحد تاکنون کنوانسیون‌های متعددی در زمینه مبارزه با تروریسم تدوین کرده است. چندین قطعنامه نیز از جانب شورای امنیت صادر شده که طی آن کشورها را به امر مبارزه با تروریسم فراخوانده است. تروریستها با سؤاستفاده از گسترش حمل و نقل هوایی، انقلاب ارتباطات، اقتصاد جهانی خصوصی و ایجاد جهان بدون مرز، از شیوه‌های جدیدی برای ایجاد ناامنی و رسیدن به اهداف خود استفاده می‌کنند. در نظام حقوقی ایران، سازوکارهای مبارزه موفق با تروریسم، کارآمد و به روز نیست؛ هر چند محاربه به‌عنوان مصداقی از عملیات تروریستی مورد حکم قانونگذار قرار گرفته است. تنوع و پیچیدگی اعمال تروریستی، سازمان یافتگی و فراملی شدن آن ضرورت بازنگری و جرم‌انگاری تروریسم را آشکار می‌سازد و مقتن باید با درک این مهم، قوانین کارآمد در این زمینه تصویب کند.

کلید واژه‌ها: جرم‌انگاری، تروریسم، محاربه، حقوق کیفری

E-mail: Habibzam@modares.ac.ir

* نویسنده مسؤل مقاله:

۱- مقدمه

هر پدیده جنایی با نا امن کردن جامعه ترس را بر مردم مستولی می‌کند و امنیت فردی و اجتماعی و به خصوص نظم اجتماعی را به مخاطره می‌اندازد. از این رو نظام کیفری، که مجموعه‌ای از نهادها و آیینهای معقول جامعه برای بیان واکنش علیه جرم و بزهکاری است، مداخله می‌کند تا ضمن بازگشت امنیت از دست رفته و نظم از هم گسیخته اجتماع، آرامش خاطر را جایگزین ترس از جرم کند. حفظ آرامش همگانی در برابر بزهکاری و هدایت خشونت طبیعی انسانها به راههای قانونی و مشروع، از اهدافی است که دولت‌ها با بهره‌برداری از نظام عدالت کیفری در رسیدن به آن می‌کوشند [۲]. نخستین کوشش قدرت عمومی تعیین احکام است. اهمیت احکام برخورداری از ضمانت اجرای کیفری را توجیه می‌کند و همان موضوع توصیف مجرمانه است؛ یعنی تعیین اوصاف افعالی که جامعه ارتکاب آن را تحمل و قبول نمی‌کند [۳، ص ۳۵]. مقنن نیز برای این‌گونه رفتارهای نابهنجار، ضمانت اجرای کیفری یا مجازات تعیین می‌کند که به فرایند جرم‌انگاری تعبیر می‌شود. بدون شک قانونگذار برای تشخیص رفتاری نابهنجار و جرم‌انگاری آن، موظف به رعایت اصول و چارچوبه‌ای است. از آنجا که نظام کیفری ایران متأثر از احکام اسلامی است، جرم‌انگاری در حوزه ارزشهای اساسی دین، به معنای بیان، اعلام و قانونگذاری کیفری درباره جرایم و مجازاتهای شرعی خواهد بود [۴، ص ۱۲].

امروزه پدیده تورم کیفری از مشکلات جوامع مختلف است که موجب لطمه به حقوق و آزادیهای اساسی شهروندان می‌شود، از این رو پیش از طرح ضرورت جرم‌انگاری برخی رفتارهای اجتماعی، باید به جرم‌زدایی برخی از رفتارهای مجرمانه توجه شود. در خصوص پدیده تروریسم با وجود ابهامات و اختلافات در مفهوم و شناخت مصادیق آن، در اصل مبارزه با این پدیده خطرناک، اختلافی وجود ندارد. زیرا موضوع اصلی حملات تروریستی، مهمترین ارزشهای جامعه انسانی و از جمله جان افراد بی‌گناه است. ضرورت برقراری امنیت اجتماعی و حفظ جان اشخاص، از طبیعی‌ترین انتظارات جامعه است. تروریسم پدیده‌ای نوظهور نیست بلکه شیوه‌های جدید ارتکاب آن، سازمان یافتگی و گسترش خطرهای آن برای امنیت اجتماع انسانی سبب شده ضمانت‌اجراهای سنتی موجود در حقوق کیفری در مقابله با این پدیده، ناکارآمد و یا ناقص جلوه کند. منظور از جرم‌انگاری تروریسم، توصیف مجرمانه آن به صورت مستقل و متناسب با تحول مفهومی و مصداقی تروریسم است. زیرا بسیاری از

اعمال تروریستی مانند قتل نفس، تخریب عمدی اموال و گروگان‌گیری، از گذشته‌های دور به-عنوان جرایم طبیعی قابل مجازات بودند. اما اتخاذ سیاست جنایی مناسب در این زمان، به لحاظ ملاحظات داخلی و بین‌المللی، و مقابله با همه اشکال تروریسم به صورت مستقل و منسجم و هماهنگ با نهادهای بین‌المللی در کشور، نیاز امروز ماست.

شورای امنیت سازمان ملل متحد تاکنون با صدور قطعنامه‌های متعدد نسبت به حوادث گوناگون تروریستی که در کشورهای مختلف به وقوع پیوسته واکنش نشان داده‌است. این شورا، ضمن محکوم کردن اقدامات تروریستی که تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی است، بر تعهد و همکاری دولتهای عضو سازمان ملل متحد در مبارزه با تروریسم بین‌المللی نیز تأکید کرده‌است. مهمترین آنها قطعنامه شماره ۱۳۷۳ در واکنش به حادثه تروریستی ۱۱ سپتامبر است که براساس فصل هفتم منشور ملل متحد به اتفاق آرا در ۲۸ سپتامبر ۲۰۰۱ صادر شد. از نکات مهم این قطعنامه، الزام کشورها در پیش بینی اقدامات تروریستی در قوانین و مقررات داخلی خود به‌عنوان جنایت مهم و در نظرگرفتن مجازات متناسب با شدت عملیات تروریستی است. شورا در این قطعنامه از دولتها خواهان عضویت سریع در اسناد بین‌المللی مربوط به مقابله با تروریسم، از جمله «کنوانسیون مقابله با تأمین مالی تروریسم» است [۵]. از آنجا که این قطعنامه حاوی نکات متعدد الزامی برای اعضای جامعه بین‌المللی است، براساس ماده ۲۸ مقررات داخلی شورا، کمیته‌ای به منظور نظارت بر حسن اجرای مفاد آن تأسیس شد. از این رو دولتها موظف به ارائه گزارش اقدامات خود در اجرای قطعنامه به کمیته مزبور شدند. دولت جمهوری اسلامی ایران تاکنون چهارگزارش از اقدامات خود، در مبارزه با تروریسم را به کمیته مبارزه با تروریسم شورای امنیت سازمان ملل متحد ارائه کرده‌است [۶]. کمیته مزبور به‌طور جدی پیگیر اجرای الزامات پیش‌بینی شده در قطعنامه به-وسیله دولتهاست. در صورتی که شورای امنیت متوجه بی‌تفاوتی کشوری نسبت به تعهدات پیش‌بینی شده در قطعنامه مزبور شود، می‌تواند از اختیارات خود وفق ماده ۴۱ یا ۴۲ منشور برای حفظ یا اعاده صلح و امنیت بین‌المللی بهره‌گیرد.

در حقوق کیفری ایران، عنوان مجرمانه مستقلی برای تروریسم پیش‌بینی نشده‌است. پس از حوادث تروریستی ۱۱ سپتامبر آمریکا و صدور قطعنامه ۱۳۷۳ شورای امنیت، دولت ایران پیش‌نویس لایحه «مبارزه با تروریسم» را در تاریخ ۱۳۸۲/۹/۱۵ به مجلس شورای اسلامی تقدیم کرد. ممکن است با وجود عنوان مجرمانه «محاربه» و عناوین مشابه در قانون مجازات

اسلامی و سایر قوانین متفرقه^۱ تصور شود خلأ قانونی در این زمینه وجود ندارد. موضوع بحث این مقاله این است که فارغ از الزام بین‌المللی در ضرورت جرم‌انگاری تروریسم و اقدامی که در تهیه لایحه مبارزه با تروریسم صورت پذیرفته است، آیا به رغم وجود عنوان مجرمانه محاربه، نیازی به جرم‌انگاری تروریسم در حقوق کیفری ایران وجود دارد یا اطلاق مفهوم محاربه، تروریسم را هم دربرمی‌گیرد و ماهیت تروریسم همان محاربه است.

۲- تعریف تروریسم^۲

واژه «تروریسم» از کلمه «ترور»^۳ اخذ شده است؛ ترور نیز از ریشه لاتین «ترس»^۴ به معنای ترس و وحشت شدید است [۷، ص ۲۳۶۱؛ ۸، ص ۸۹۳]. ترور و تروریسم در غالب زبانهای دنیا به همین شکل و معنی استفاده می‌شود. پسوند «-ism» در زبان انگلیسی کاربرد گوناگونی دارد و در تروریسم مشخصاً در معنی رفتار، عمل، اقدام و کردار به کار برده شده است [۹]. بنابراین تروریسم را از نظر لغوی می‌توان به «ایجاد ترس و وحشت شدید» معنی کرد.

تروریسم با مفهوم جدید خود، پس از انقلاب کبیر فرانسه در سال ۱۷۸۹ میلادی مطرح شد. انقلابیون فرانسوی تروریسم را در فاصله زمانی سالهای ۱۷۹۵-۱۷۸۹ به عنوان شیوه و روشی رسمی اعمال می‌کردند. ماکسیمیلین ربسپیر^۵، سن ژوست^۶ و سایر ژاکوبین‌ها^۷ - که در دوره‌ای از انقلاب کبیر فرانسه به عنوان خشن‌ترین جناح انقلابی قدرت را به دست گرفتند - با دایر کردن دادگاههای انقلابی و شبکه‌ای اطلاعاتی و جاسوسی و قتل، غارت، تبعید و مصادره اموال، جو ترس، ارعاب، وحشت و دلهره را بر جامعه حاکم کردند. این دوره به حکومت ترور^۸ و وحشت مشهور شد. در این دوره ناامنی و وحشت سرتاسر فرانسه را فراگرفت و هزاران نفر از مجموع دستگیر شدگان به وسیله دادگاههای انقلابی فرانسه به زیرگیوتین رفتند. ریشه واژه تروریسم در زبان انگلیسی نیز به انعکاس همین وقایع به وسیله

۱. از جمله قانون مجازات اخلال‌کنندگان در امنیت پرواز هواپیما و خرابکاری در وسایل و تأسیسات هواپیمایی مصوب ۱۳۴۹/۱۲/۴، قانون راجع به مجازات اخلالگران در صنایع نفت ایران مصوب ۱۳۳۶، قانون مجازات اخلال‌کنندگان در تأسیسات آب و برق و گاز و مخابرات کشور مصوب ۱۳۵۱/۱۰/۱۲، قانون مجازات اخلالگران در صنایع مصوب ۱۳۵۳/۲/۲.

2. terrorism
3. terror
4. ters
5. Maximilien Robespierre
6. Saint - Just
7. Jacobins
8. reign of terror

ادموندبرک^۱ سیاستمدار انگلیسی، در سال ۱۷۹۵ برمی‌گردد که به هزاران بی‌رحم موسوم به تروریست اشاره کرده‌است [۱۰].

این کلمه در فرانسه به معنی وحشت و خوف آمده و تروریسم به اصل حکومت وحشت و فشار و به اصلی که در آن از قتل‌های سیاسی و ترور دفاع گردد، اطلاق می‌شود [۱۱، ص ۶۸۳]. در زبان فارسی برای ترور و تروریسم معادل‌یابی نشده‌است. مطابق لغت‌نامه^۲ دهخدا، ترور در زبان فارسی به معنی قتل سیاسی به وسیله اسلحه معنا شده‌است.

بر خلاف زبان فارسی، در زبان عربی برای واژه «تروریسم» معادل سنجی شده و کلمه «الارهاب» برای آن به کار رفته است. در واژه «الارهاب» معنی خوف و فرع یا رعب و تهدید ناشی از زور، خشونت و سخت‌گیری وجود دارد [۱۲، صص ۴۳۶-۴۳۷]. معنی خوف و فرع نیز در واژه «ترور» وجود دارد [۱۳، ص ۶۹۰]. کلمه «الارهاب» مترادف کلمه عنف است که به رفتار متضمن، خشونت و بی‌رحمی و ملامت و سرزنش نیز گفته می‌شود [۱۴]. کلمه «رهب» و مشتقات آن چندین بار در آیات قرآن به معنی خوف و ترس آمده‌است [۱۵].

۲-۱- مفهوم جرم تروریسم

تروریسم از دیدگاه سیاسی، اجتماعی، فلسفی، حقوقی و غیره بررسی شده و تاکنون صدها تعریف از آن به عمل آمده‌است. هرچند برخی از کشورها در قوانین ملی خود اقدام به تدوین سیاست‌گیری در مبارزه با تروریسم کرده‌اند، اما بنا به دلایلی از جمله ارتباطی که اعمال تروریستی با منافع دولتها پیدا می‌کند، در عرصه بین‌المللی تلاش‌های صورت پذیرفته در تعریف جرم تروریسم به سرانجام نرسیده‌است.

تروریسم، جرمی است که می‌تواند ماهیتی سیاسی داشته باشد. بدین جهت این جرم مورد توجه فراوان علمای اهل سیاست قرار گرفته است. در فرهنگ علوم سیاسی، تروریسم به حالت وحشت فوق‌العاده ناشی از دست زدن به خشونت، قتل و خونریزی از سوی گروه، حزب یا دولتی به منظور نیل به هدف سیاسی، کسب یا حفظ قدرت اطلاق می‌شود [۱۶، ص ۵۸۴]. پال پیلار^۲ تروریسم را چنین تعریف کرده‌است: «خشونت از پیش طراحی شده با جهت‌گیری سیاسی برضد اهداف غیر نظامی از سوی گروه‌های خرده ملی و عوامل مخفی که معمولاً برای تأثیرگذاری بر مخاطبان به کار گرفته می‌شود» [۱۷، ص ۱۳]. در تعریف دیگر

1. Edmond Burke
2. Pillar Paul.



تروریسم به معنای استفاده از زور، خشونت یا تهدید به منظور کسب اهداف سیاسی از طریق ایجاد وحشت، ارباب و قوای قهریه است [۱۸، ص ۳]. وزارت امور خارجه امریکا در گزارش خود تروریسم را عبارت از خشونتی می‌داند که به وسیله گروه‌های خرده ملی یا سازمانهای زیرزمینی علیه اهداف غیر نظامی، با انگیزه سیاسی و معمولاً به قصد نفوذ و برتری نسبت به مخاطبان خود به وقوع می‌پیوندد [۱۹، ص ۱۳]. در این تعریف خصوصیت مرتکبان جرایم تروریستی را به گونه‌ای معرفی کرده که امکان شمول آن بر دولتها نیست، در حالی که خطرناکترین اقدامات تروریستی به وسیله دولتها به وقوع می‌پیوندد. این تعریف عمل مرتکبان را فقط به ارتکاب خشونت محدود کرده و تهدید به آن را مورد توجه قرار نداده است. در حالی که به اعتقاد برخی، تروریسم بیش از آن که فی نفسه خشونت‌بار باشد، تهدید به عملی خشونت‌بار است، حتی در معنی لغوی تروریسم را به تهدید و ارباب تعریف کرده‌اند [۲۰].

در این تعاریف، نقش برجسته‌ای برای عنصر انگیزه سیاسی در نظر گرفته شده است. تروریستها با اعمال خشونت، ایجاد ترس و دلهره در جامعه و تحت تأثیر قراردادن دولتها، قصد رسیدن به مقاصد سیاسی خود را دارند. به عبارت دیگر، تروریسم سیاسی چیزی بیش از عملی مجرمانه مهم و جدی است که پیامی نیز با خود به همراه دارد. تروریسم سیاسی با توسل به تهدید یا اخاذی، خواهان جلب توجه دیگران است. در این نوع از تروریسم، قربانیان مشخص هرگز به طور تصادفی انتخاب نمی‌شوند. تروریستها با انجام حملات در اماکن عمومی (خیابانی شلوغ، ایستگاه قطار، فرودگاه، یا فروشگاه‌های بزرگ) در پی آنند که با ایجاد وحشت عمومی، حکومتها را تحت فشار قرار دهند. در حملات انفرادی نیز معمولاً دیپلماتها یا مقامات عمومی به عنوان نمایندگان دولت، شخصیت‌های رسانه‌ای برای تحت تأثیر قراردادن افکار عمومی، دانشگاهیان و دانشمندان برای محکوم ساختن همکاری فکری آنها با دولت و استعمار فرهنگی، یا متخصصان صنعتی به عنوان نمایندگان امپریالیسم اقتصادی، آماج حمله قرار می‌گیرند [۲۱، ص ۲۸۶]. از این دیدگاه تروریسم نوعی اخاذی سیاسی است. در حالی که قراردادن انگیزه سیاسی در تعریف تروریسم سبب خروج مصادیق متعددی از اعمال تروریستی که انگیزه مجرمانه و جنایی دارند، می‌شود.

در برخی از تعاریف، قید سازمان یافتگی اعمال تروریستی آورده شده است. آلن بیرو، تروریسم را اعمال ترور به صورتی منظم و سازمان یافته با خشونت و کشتار بی حساب ذکر می‌کند [۲۲، ص ۴۲۶]. برخی تروریسم را «خشونت سازمان یافته علیه انسانها و نهادهای اجتماعی به منظور تغییر نظم حاکم» [۲۳، ص ۱۳۱] تلقی کرده و عنصر سازمان یافتگی در

جرایم تروریستی را یکی از ارکان اساسی این دسته از اعمال می‌دانند. دانشنامه بریتانیکا تروریسم را به «کاربرد سیستماتیک ارباب یا خشونت پیش‌بینی‌ناپذیر برضد حکومتها، مردم یا افراد برای دستیابی به هدفی سیاسی» تعریف کرده است. [۲۴، ص ۲۱].

همچنین تروریسم به استراتژی مداوم و سیستماتیکی از خشونت که به وسیله دولت یا گروهی سیاسی علیه دولت یا گروه سیاسی دیگر در طول سلسله‌اعمالی خشونت بار صورت می‌پذیرد، تعریف شده است. هدف این اقدامات ایجاد حالت ترس و وحشت عمومی برای رسیدن به اهداف سیاسی است [۲۵، ص ۷].

امروزه جرایم تروریستی از حالت انفرادی خارج و به صورت جرایم سازمان یافته^۱ واقع می‌شود و خطر واقعی ناشی از این نوع اعمال سازمان یافته است. اما نمی‌توان منکر ارتکاب اعمال تروریستی به صورت انفرادی شد. از این رو در تعریف حقوقی آن، باید از آوردن قید سازمان‌یافتگی اجتناب کرد یا در کنار آن ارتکاب غیرسازمان یافته را هم ذکر کرد.

تروریسم ممکن است داخلی^۲ یا بین‌المللی^۳ باشد. تروریسم بین‌المللی حداقل یک عنصر و پیامد بین‌المللی دارد. در این نوع از تروریسم، تروریستها به خاطر ارتباط و منافع موجود نزد دولت بیگانه‌ای به خارج از مرز کشور می‌روند تا به اهدافشان ضربه وارد سازند. از این رو با انتخاب قربانیان یا اهداف خود، به خطوط هواپیمایی در پروازهای بین‌المللی حمله کرده و یا آنها را مجبور به پرواز و فرود در کشور دیگری می‌کنند [۲۶، ص ۱۳]. بدین ترتیب، برای تحقق تروریسم بین‌المللی باید منافع چند کشور درگیر شود، از این رو فعالیتهای گروههای متخاصم محلی در زمانی که علیه حکومت ملی یا شهروندان خود در همان کشور (کشوری که گروههای متخاصم در آنند) واقع شود را شامل نمی‌شود، مگر آنکه ارتباطی خارجی در آن متصور باشد.

هیگینز^۴ در مقام بررسی تروریسم از منظر حقوق بین‌الملل نتیجه می‌گیرد که تروریسم اصطلاحی است که معنا و اهمیت حقوقی ندارد. این عمل صرفاً روش مناسبی برای اشاره به فعالیتهای دولتی یا فردی است که در سطح گسترده مردود و روشهای به کار رفته در آنها یا غیر قانونی است یا آماجهای مورد حمله حمایت شده‌اند و یا هر دو. حقوق بین‌الملل به طور کلی و مکانیسمهای سازمان ملل متحد به طور خاص سالها با زحمت فراوان در پی روشن

1. organized crimes
2. domestic terrorism
3. international terrorism
4. Higgins, Rosalyn



کردن امور ممنوع و فراهم ساختن امکاناتی گسترده برای اعمال صلاحیت بر چنین حوادث و اشخاصی بوده است [۲۷، ص ۳۲۳].

عدم وجود تعریفی پذیرفته شده از تروریسم، زمینه مناسبی را برای چند دهه بحث و مجادله علمی فراهم کرده است. با وجودی که تعاریف ارائه شده در تبیین و فهم موضوع و نمایان کردن ابعاد مختلف تروریسم کمک بسیاری کرده است، اما تا زمان ارائه تعریف مشترک که اعضای جامعه بین‌الملل آن را بپذیرند، معضل نظری در تبیین مفهوم تروریسم بین‌المللی همچنان پا برجا خواهد بود. در چنین وضعیتی پیدا کردن تعریف مشترک و قابل قبول همه، اگر نگوئیم غیر ممکن، ولی بسیار سخت است. والتراکور^۱ با اظهار ناامیدی از امکان دستیابی به تعریف تروریسم اعلام داشته، تلاش برای این کار ارزشی ندارد، چنان‌که تلاش چندین ساله اشمیت درباره تروریسم بهره‌ای نداشت و چیز زیادی عاید ما نکرد [۲۰].

۲-۲- مفهوم تروریسم در اسناد بین‌المللی

پس از جنگ دوم جهانی و تأسیس سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۵ میلادی، تعریف و نحوه مقابله با تروریسم بین‌الملل به طور هم‌زمان مورد توجه مجمع عمومی و شورای امنیت سازمان ملل متحد قرار گرفت. مهمترین محور اختلاف کشورهای عضو سازمان ملل متحد، علاوه بر ماهیت و محتوای تروریسم بین‌المللی یا آن که چه چیز موجب عدم توافق در تهیه کنوانسیون جامع در مبارزه با تروریسم شده است، اختلاف دولتها در زمینه اقدامات «جنبشهای آزادی بخش ملی»^۲ و «تروریسم دولتی»^۳ بود. بنابراین اساس همه تلاشهای اولیه سازمان ملل برای برخورد با مشکل تروریسم، ارائه تعریف جامع از آن بود. به ادعای برخی افراد بدون توافق بر سر این که چه رفتاری ممنوع است، نمی‌توان واکنشهای هنجاری علیه آن در نظر گرفت. بویژه چه نوع کاربرد زور، به‌وسیله چه کسی و در چه شرایطی را باید «تروریسم» دانست تا نتایج حقوقی معینی بر آن مترتب باشد؟ از سوی دیگر، بعضی معتقدند توافق بر سر تعریف، محکوم به شکست است و بهتر است با دیدگاهی عمل‌گرایانه در پی ایجاد قواعد مورد توافقی بود که برای جنبه‌های گوناگون مشکل کلی مناسب باشد [۲۷، صص ۳۰۲-۳۰۳]. با توجه به عدم توافق میان اعضای جامعه بین‌المللی، سازمان ملل از پاسخ عمل‌گرایانه و موردی تبعیت کرده است. به عبارت دیگر، سازمان ملل متحد هر زمان که اقدام

1. Walter, Laqueur

2. national liberation movement.

3. state terrorism

تروریستی خاصی، تهدیدی برای جامعه بین‌المللی ایجاد کرده، نسبت به تهیه و تصویب مقرراتی خاص به منظور جلب همکاری بین‌المللی در مبارزه با تروریسم اقدام کرده است. علاوه بر رویکرد موردی، تلاش برای جلب موافقت دولت‌ها در رسیدن به مفهوم و برداشت واحدی از تروریسم به وسیله سازمان ملل کنار گذاشته نشده است. بخصوص با توافقی که بین دولت‌ها در اعلام بیزاری، محکومیت و ضرورت مقابله جدی با تروریسم، پس از حوادث تروریستی یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱، به وجود آمد؛ موضوع محکومیت انواع تروریسم - که قبلاً هم سازمان ملل در قطعنامه‌های مجمع عمومی بر آن تأکید کرده بود - مقبولیت بیشتری پیدا کرد. به نظر می‌رسد در آینده‌ای نزدیک سازمان ملل متحد بتواند موفق به تهیه سندی جامع در زمینه مبارزه با تروریسم شود به نحوی که مورد موافقت اعضای جامعه ملل متحد باشد. سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۴، در بخشی از سند منتشره در خصوص تجدید ساختار سازمان، به نکات مهمی راجع به تعریف تروریسم اشاره کرده است. در این سند دو مشکل در خصوص تلاش برای رسیدن به تعریف مورد قبول از تروریسم بیان شده است:

مشکل اول مربوط به تروریسم دولتی است. عده‌ای معتقدند هر تعریفی از تروریسم باید موضوع توسل دولت به نیروهای مسلح علیه غیر نظامیان را نیز دربرگیرد. اگر برای تروریسم به مفهوم عام، به کارگیری زور در مقابل اشخاص غیر نظامی را در نظر بگیریم، مسأله این است هنگامی که همین اقدام به وسیله دولت به کار گرفته شود و از زور علیه غیر نظامیان استفاده کند، آیا خود مرتکب عمل تروریستی می‌شود یا خیر؟ بنابراین، تعریف از تروریسم، باید جامع و مانع باشد و تکلیف این موضوع را روشن کند.

هیأت عالی‌رتبه دبیرکل سازمان ملل متحد، در پاسخ به این مشکل اظهار می‌دارد: به اعتقاد ما چارچوب حقوقی و هنجاری علیه نقض‌های دولت به مراتب منسجم‌تر و قویتر از نقض‌های بازیگران غیر دولتی است، بنابراین به نظر ما این ایراد چندان وارد نیست [۱].

مشکل دوم در خصوص اقدامات خشونت آمیز نهضت‌های آزادی‌بخش برای رهایی از زیر سلطه و استعمار خارجی است. مردمی که زیر سلطه متجاوز خارجی یا در وضعیت اشغالند، برای خود حق مقاومت و دفاع می‌شناسند، اما از این که مقاومت آنها تروریسم تلقی شود خوف دارند؛ مانند اقدامات مردم و مبارزان فلسطینی در برابر رژیم اشغالگر قدس که در اینجا جدال بین تروریسم و مقاومت یا حق دفاع است. گفتمان دهه ۶۰ و ۷۰ به نوعی به بحث دفاع و تروریسم برمی‌گشت. البته تعرض به غیر نظامیان و نقض حقوق آنها، در هیچ سندی



موجه نیست، زیرا نه دولت می‌تواند از زور برای سرکوبی غیر نظامیان استفاده کند و نه هیچ گروهی می‌تواند به کشتار غیر نظامیان تن دردهد [۲۸، صص ۳۴-۳۵].

در پاراگراف ۱۶۲ سند منتشره سازمان ملل، ضرورت رسیدن به تعریفی اجماعی در مجمع عمومی سازمان ملل متحد و تسریع در آن تأکید شده است. زیرا این نهاد از مشروعیت منحصر به فردی از لحاظ هنجاری برخوردار است. در پاراگراف بعدی، چند راهنمای عملی برای گنجاندن در سندی که قرار است تعریف جامعی از تروریسم ارائه دهد، به شرح زیر بیان می‌کند:

الف) باید در مقدمه سند، این نکته شناسایی شود که مطابق معیارهای کنوانسیونهای ژنو و سایر اسناد مربوط، توسل به زور علیه غیر نظامیان به وسیله دولت، به عنوان جنایت جنگی افراد ذیربط یا جنایت علیه بشریت محسوب می‌شود.

ب) باید تأیید شود که اعمال مصرحه در دوازده کنوانسیون قبلی ضد تروریسم^۱، تروریسم محسوب می‌شود و تأکید شود که اعمال مزبور بر اساس حقوق بین‌الملل جنایت شمرده می‌شوند؛ و مجدداً بیان شود که مطابق کنوانسیونها و پروتکل‌های ژنو، تروریسم در هنگام درگیریهای مسلحانه منع شده است؛

ج) ارجاع به تعاریف مندرج در کنوانسیون بین‌المللی مقابله با تأمین مالی تروریسم (۱۹۹۹) و قطعنامه شماره ۱۵۶۶ (۲۰۰۴) شورای امنیت سازمان ملل؛

د) توصیف مجرمانه تروریسم به عنوان «هر عملی (علاوه بر مواردی که در دوازده کنوانسیون قبلی به آنها اشاره شده است، کنوانسیونهای ژنو و قطعنامه شماره ۱۵۶۶ (۲۰۰۴) شورای امنیت سازمان ملل) که به قصد کشتار یا وارد آوردن صدمه جدی جسمی به غیر نظامیان یا غیر جنگجویان صورت گیرد، هرگاه هدف این عمل از لحاظ ماهوی یا با توجه به زمینه وقوع آن، ارباب یک جمعیت یا وادار کردن یک دولت یا سازمان بین‌المللی به انجام یا خودداری از انجام اقدامی باشد» [۱، پاراگراف ۱۶۳].

رهبران جهان در شصتیمین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد - که از ۱۴ تا ۱۶ سپتامبر ۲۰۰۵ در نیویورک برگزار شد - به توافقهایی درباره چالشهای گوناگون جهان رسیدند. از جمله در خصوص معضل تروریسم، تمامی دولتها ضمن اعلام این که تروریسم از جدیترین تهدیدها نسبت به صلح و امنیت بین‌المللی است، همه اشکال و ظواهر آن را به وسیله هر کس، هر کجا و با هر هدفی که صورت گیرد، قویاً محکوم کردند [۲۹، پاراگراف ۸۱].

۱. سیزدهمین کنوانسیون مقابله با تروریسم تحت عنوان «کنوانسیون مبارزه با تروریسم هسته‌ای» در تاریخ ۱۲ آوریل ۲۰۰۵ به وسیله مجمع عمومی سازمان ملل به اتفاق آرا به تصویب رسیده است.

همچنین سران کشورها تأکید کردند برای رسیدن به توافقی در رابطه با انعقاد کنوانسیون جامع در زمینه تروریسم بین‌المللی، هر کوشش لازمی را به عمل آورند [۲۹، پاراگراف ۸۳].

به نظر می‌رسد، زمینه‌های لازم برای رسیدن به توافقی بین‌المللی در خصوص مبارزه با تروریسم و ارائه تعریف برای آن فراهم شده‌است. در حال حاضر، کمیته ویژه‌ای در نیویورک مشغول تنظیم کنوانسیون جامع مقابله با تروریسم بین‌المللی است. در این کمیته تعریف ذیل در حال بررسی است: «هر شخصی، با هر وسیله‌ای به‌طور غیر قانونی و عمدی، موجب وقوع یکی از موارد زیر شود، بر اساس این کنوانسیون، مرتکب جرم شده است:

الف) موجب قتل یا جراحت جسمانی شدید به دیگری شود؛ یا

ب) موجب وارد آمدن خسارت شدید به اموال عمومی و یا خصوصی شود. مانند آسیب به یک مکان مورد استفاده عمومی، امکانات دولتی یا حکومتی، سیستم حمل و نقل عمومی، تأسیسات زیر بنایی یا محیط زیست؛ یا

ج) موجب خسارت به اموال، مکانها، تأسیسات یا سیستمهایی که در پاراگراف ۱ (ب) از این ماده به آنها اشاره شد، و منجر به خسارات اقتصادی قابل توجهی شده یا احتمالاً می‌شوند، شود. مشروط بر این‌که هدف اصلی یا ضمنی این اقدامات، مرعوب کردن یک جمعیت یا وادار کردن یک حکومت یا یک سازمان بین‌المللی به انجام یا پرهیز از انجام عملی خاص باشد» [۳۰].

قانون مجازات فرانسه در تعریف تروریسم، از ارائه رفتار مجرمانه مشخصی برای تحقق آن خودداری کرده است. این قانون تنها به انگیزه مرتکب یا مرتکبان که ایجاد اختلال در نظم و آسایش عمومی است و نتیجه اعمال تروریستی که ایجاد رعب و وحشت و ترور باشد، اشاره کرده‌است. همچنین مصادیق اعمال تروریستی را به‌طور حصری بیان داشته است. مطابق ماده ۱-۲۱ قانون جزای فرانسه: «در هریک از جرایم ذیل هنگامی که فرد یا گروهی به طور عمدی و یا با هدف بر هم زدن جدی نظم و آسایش عمومی، اقدام به وحشت افکنی یا ترور بکنند، عمل تروریستی تحقق یافته است» [۳۱].

ماده یک لایحه پیشنهادی مبارزه با تروریسم ایران نیز در مقام تعریف تروریسم، متأثر از اسناد بین‌المللی از جمله بند «ب» ماده ۲ «کنوانسیون مقابله با تأمین مالی تروریسم»^۱

۱. به موجب بند «ب» ماده ۲ کنوانسیون مقابله با تأمین مالی تروریسم: منظور از «اقدامات تروریستی» علاوه بر مصادیقی که در کنوانسیونهای بین‌المللی به آنها اشاره شده است (کلیه کنوانسیونهای مربوط به مقابله با تروریسم به غیر از کنوانسیون ←

اشعار می‌دارد: «ارتکاب یا تهدید به ارتکاب جرایم و اقدامات خشونت آمیز از طریق به وحشت افکندن مردم جهت تأثیرگذاری برخط مشی، تصمیمات و اقدامات دولت جمهوری اسلامی ایران، سایرکشورها و سازمانهای بین‌الدولی، جرم تروریستی محسوب می‌شود». صرف نظر از وجود اختلافات در تعاریف ارائه شده، می‌توان رکن مادی این جرم را شامل ارتکاب یا تهدید به ارتکاب هرگونه اعمال غیر قانونی خشونت آمیز علیه تمامیت جسمانی، یا ایراد خسارت شدید علیه اموال دانست. رکن معنوی این جرم نیز شامل سؤنیت عام (قصد انجام عمل خشونت آمیز) و سؤنیت خاص (قصد ایجاد رعب و وحشت مردم) است. این مفهوم کلی شامل مصادیق متعددی است که مهمترین آنها تاکنون در سیزده سند بین‌المللی در قالب کنوانسیونها یا پروتکل‌های مقابله با تروریسم آمده است.

۳- محاربه

درحقوق کیفری ایران، عنوان مستقلی برای تروریسم پیش‌بینی نشده است. در طول بیش از دو دهه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، اقدامات تروریستی فراوانی به‌وسیله افراد و گروههای تروریستی به‌خصوص گروهی سازمان یافته تحت نام سازمان مجاهدین خلق در ایران به وقوع پیوسته است. تمامی این اعمال به منظور سلب امنیت مردم، ضربه زدن و یا سرنگونی دولت جمهوری اسلامی و یا مقاصد سیاسی یا جنایی دیگر بوده و تردیدی در تروریستی بودن آنها وجود ندارد. دستگاه قضایی ایران در برخورد با مرتکبان اعمال تروریستی، بسیاری از آنها را مشمول عنوان محاربه دانسته است که یکی از مهمترین جرایم علیه امنیت محسوب می‌شود. مستند جرم مذکور آیه ۳۳ سوره مائده است. خداوند در آیه مزبور می‌فرماید: «همانا کیفر کسانی که با خدا و پیامبرش می‌جنگند و در زمین به فساد کردن می‌کوشند این است که کشته شوند یا به دار آویخته شوند یا دستها و پاهایشان در جهت خلاف یکدیگر بریده شود یا از آن سرزمین تبعید شوند. این ذلت و خواری عذاب آنها در دنیاست و برای آنها در آخرت عذابی بزرگ است»^۱.

→توکيو ۱۹۶۳ و کنوانسیون مونترال (۱۹۹۱)، عبارت از هر گونه اقدامی که موجب مرگ یا وارد آمدن آسیبهای شدید جسمانی به کسی شود که مستقیماً در درگیریهای مسلحانه دست نداشته است و هدف از این اقدام ایجاد رعب و وحشت در میان مردم یا ادار ساختن یک دولت یا یک سازمان بین‌المللی به انجام یا ترک انجام عملی باشد.

۱. «انما جزاؤا الذین یحاربون الله و رسوله ویسعون فی الارض فساداً ان یقتلوا او یصلبوا او تقطع ایدیهم و ارجلهم من خلاف او ینفوا من الارض ذلک لهم خزی فی الدنیا ولهم فی الاخره عذاب عظیم».

این آیه علاوه بر عنوان «محاربه» به «افساد فی الارض» هم اشاره دارد. فساد مصدر فسد ضد صلاح و به معنی تباه شدن است [۳۲، ص ۱۲۲۴] و در معنی خروج چیزی از حالت اعتدال نیز به کار می‌رود [۳۳، ص ۳۷۹].

اضافه شدن لفظ محاربه به «الله» و «الرسول» در آیه مزبور، قرینه‌ای است بر این که معنای حقیقی این کلمه مراد نیست. زیرا جنگیدن به معنای حقیقی آن، با خدا ممکن نیست و با رسول اگر چه ممکن است اما قطعاً در این جا مراد نیست. زیرا مقصود آیه در خصوص کسانی که با شخص پیامبر می‌جنگیدند نیست، در این صورت آیه به زمان حیات پیامبر اختصاص پیدا می‌کرد؛ در حالی که فقط کافران زمان پیامبر با شخص او می‌جنگیدند و آنها خارج از مدلول آیه هستند. نفس اضافه شدن لفظ محاربه به خدا و رسول، قرینه‌ای است که مراد از آن معنای گسترده‌تری از جنگ مستقیم و شخصی است و آن معنا یکی از دو امر است:

۱) مراد از محاربه همان‌گونه که در *لسان العرب* آمده، هرگونه عصیان و مخالفت با حکم خدا و رسول است و ظاهر عبارت علامه طباطبایی در *تفسیر المیزان* نیز همین معنا را می‌رساند. بر این اساس، استعمال لفظ محاربه در مطلق عصیان و مخالفت، از قبیل مجاز در کلمه است [۳۴، ص ۲۱۰].

۲) مراد از محاربه با خدا و رسول، محاربه با مسلمانان است، از این رو به منظور بزرگ جلوه دادن آن و توجه به اهمیت امت اسلامی، جنگ با امت اسلام به منزله جنگ با خدا و رسول تلقی شده و لفظ محاربه به خدا و رسول اضافه شده است. زیرا امت اسلام منتسب به خدا و پیامبر و تحت ولایت آنها هستند. چنین معنایی به منزله مجاز در اسناد است. در ظاهر احتمال دوم متعین است. زیرا مقتضای به‌کار بردن عنوان «حرب» در آیه این است که این کلمه به معنای خود استعمال شده باشد و الغای معنای اصلی آن وجهی ندارد [۳۴، همان].

۳-۱- تعریف محاربه

فقهای اهل سنت، اغلب محاربه را منحصر به سلاح کشیدن به قصد اخذ مال و غارت اموال در خارج از شهر می‌دانند و از آن به «قطع طریق» یا «سرقت کبری» یاد کرده‌اند. عبدالقادر عوده فرق بین سرقت و محاربه را در این می‌داند که سرقت اخذ مال به صورت مخفیانه است، ولی

مباربه خروج برای اخذ مال به صورت علنی و قهرآمیز. ایشان مصادیق مباربه را بدین شرح بیان می‌دارد:

(۱) شخص به قصد اخذ مال به نحو قهرآمیز خارج شود و فرد مسافر را بترساند، ولی مالی از او نگیرد و کسی را به قتل نرساند.

(۲) شخص به قصد اخذ مال به نحو قهرآمیز خارج شود و مال را اخذ کند، ولی کسی را به قتل نرساند.

(۳) شخص به قصد اخذ مال به نحو قهرآمیز خارج شود و کسی را به قتل برساند، ولی مالی را اخذ نکند.

(۴) شخص به قصد اخذ مال به نحو قهرآمیز خارج شود و مال را اخذ کرده و کسی را به قتل برساند.

در این چهار حالت، شخص محارب محسوب می‌شود. اما اگر شخص با این قصد خارج شود، ولی کسی را نترساند، مالی را اخذ نکند و کسی را هم به قتل نرساند، در این صورت محارب نخواهد بود. همین‌طور اگر قصد مال را نداشته باشد، ولی در درگیری ایجاد شده کسی مجروح شده باشد یا به قتل برسد، باز هم محارب محسوب نخواهد شد [۳۵، صص ۶۳۹-۶۴۰].

با وجود اختلافهایی که در آرای مذاهب مختلف اهل سنت وجود دارد، در مجموع می‌توان قائل شد که رکن اساسی در تحقق مباربه از نظر آنها خروج برای اخذ مال به نحو قهرآمیز است. بدین ترتیب اگر شخصی قصد اخذ مال به نحو قهرآمیز را نداشته باشد ولو این که با حمل و کشیدن اسلحه افراد را بترساند، محارب محسوب نخواهد شد [۳۶، صص ۶۲۳-۶۳۰؛ ۳۷، صص ۶۳-۶۷]. بیشتر فقهای اهل سنت حکم مباربه را به استناد چند روایت و شأن نزول آیه مباربه، مخصوص بیرون شهر و صحرا دانسته‌اند. در حالی که هیچ‌کدام از علمای امامیه این قید را قبول نداشته و اگر اقدامات مرتکب در داخل شهر هم واقع شود مباربه را محقق می‌دانند. شیخ طوسی در جایی می‌گوید: محارب نزد ما کسی است که سلاح برگیرد و راه را ناآمن کند، خواه در داخل شهر و خواه بیرون شهر باشد و راهزن همان محارب است [۳۸، ص ۵۰۴].

مطابق نظری در فقه امامیه، مباربه به قیام و جنگ علیه حکومت اسلامی تعبیر شده است [۳۹، ص ۳۳۹-۳۴۰؛ ۴۰، ص ۵۱؛ ۴۱، ص ۹۷-۹۹]. آنها موضوع حکم آیه را در خصوص مسلمانانی دانسته‌اند که در مقابل دولت اسلامی به قیام مسلحانه برخیزند و شامل کسی که

به قصد ارباب و گرفتن اموال مردم، دست به اسلحه می‌برد و یا که گناهان کبیره انجام می‌دهد، نمی‌شود. زیرا اگر کسی در مقابل دولتی که پیامبر بنیانگذار آن بوده است، بایستد، در واقع محارب با پیامبر است. اما کسی که با گروهی از مسلمانان به قصد گرفتن اموال آنها محاربه کند، در حقیقت محارب با پیامبر شمرده نمی‌شود [۴۲، ص ۳۷۶]. بر این نظر اشکالاتی وارد است و نظر مشهور فقهای امامیه بر خلاف آن است. این اشکالات عبارت است از:

اول) اضافه محاربه به خدا و رسول در آیه حتی در مورد بغی و قیام علیه حکومت اسلامی، از نوع اضافه حقیقیه نیست. صرف این‌که پیامبر نخستین بنیانگذار دولت اسلامی بوده است نمی‌توان گفت اگر کسی امروز هم علیه دولت اسلامی قیام کند، در حقیقت محارب با پیامبر است. در اینجا محاربه حقیقی با پیامبر صدق نمی‌کند.

دوم) شأن نزول آیه، مربوط به محاربه گروهی که اقدام به غارت اموال و قتل نگهبانان کرده بودند ذکر شده است و ارتباطی با بغی و قیام علیه حکومت اسلامی ندارد. بنابراین تردیدی نیست که آیه محاربه مربوط به عمل مسلمانانی است که به قصد ایجاد ناامنی، ارباب، غارت و خونریزی با گروهی دیگر از مسلمانان به جنگ می‌پردازند.

سوم) این نظر بر خلاف ظاهر روایات خاصه‌ای است که در آنها فقط کسی که به قصد ارباب، سلاح کشیده است محارب شناخته شده است و درباره باغیان و سرکشان علیه حکومت، سکوت کرده‌اند. بدین ترتیب نکته مورد نظر آیه همانا محاربه به صورت ارباب و سلب امنیت از مردم است که در آن هیچ تردیدی روا نیست. چنان‌که تمامی فقیهان و مفسران نیز مراد آیه را همین‌گونه فهمیده‌اند [۳۴، صص ۲۱۲-۲۱۳]. از طرفی مستفاد از کلمات فقها این است که قیام علیه حکومت اسلامی از مصادیق بغی است و اگر ما بپذیریم که عنوان محاربه شامل قیام مسلحانه علیه حکومت می‌شود، محلی برای جرم بغی باقی نمی‌ماند [۴۳].

اما تعریف اغلب فقهای امامیه از محاربه عبارت است از: «تجرید السلاح لآخافه الناس» یعنی برهنه کردن یا کشیدن سلاح به قصد ایجاد رعب و وحشت مردم. محقق در شرایع می‌گوید: «المحارب کل من جرد السلاح لآخافه الناس» [۴۴، ص ۱۴۰] یعنی محارب کسی است که سلاحی را با هدف ترساندن مردم برهنه کند. همین تعریف مورد تأیید صاحب جواهر قرار گرفته و قیدی را به آن اضافه می‌کند و می‌گوید: «برچنین سلاح کشیدن، اراده فساد در زمین صدق کند» [۴۵، ص ۵۶۴]. سپس صاحب جواهر محاربه را چنین تعریف می‌کند: «اجمالاً منظور از محاربه این است که شخص به صورت علنی سعی در فساد بر روی زمین داشته باشد، به این صورت که سلاح و مثل آن را برای قتل یا سلب مال یا خانواده و مثل آن آماده



کند که چنین مواردی محاربه با خدا و رسول خدا خواهد بود» [۴۵، ص ۵۷۰]. ابن ادریس می‌گوید: و محارب نزد ما کسی است که برای ترساندن مردم سلاح بگیرد، در خشکی باشد یا دریا، در آبادی و شهر باشد یا بیابان و صحرا [۴۶، ص ۵۰۵]. بنابراین چنان‌که روشن است، مراد از محاربه و افساد، همان اخلال در امنیت عمومی است. امنیت عمومی فقط با ایجاد ترس عمومی و قرار گرفتن ترس به جای امنیت، مختل می‌شود. ترس عمومی نیز طبعاً و عادتاً فقط از طریق به کارگیری سلاح و تهدید به قتل ایجاد می‌شود. از این رو که فساد فی الارض در روایت، به کشیدن شمشیر و سلاحهای کشنده دیگر تفسیر شده است. همه فقها، کسی که به قصد ترساندن مردم سلاح بکشد را محارب تفسیر کرده‌اند [۳۴، ص ۲۲۳]. قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ در باب هفتم به تبعیت از نظریه مشهور فقهای امامیه به تعریف جرم محاربه و افساد فی الارض پرداخته است. ماده ۱۸۳ این قانون مقرر می‌دارد: «هرکس که برای ایجاد رعب و هراس و سلب آزادی و امنیت مردم دست به اسلحه ببرد محارب و مفسد فی الارض می‌باشد».

۴- مقایسه محاربه با تروریسم

قانونگذار ایران در ماده ۱۸۳ ق.م.ا در تعریف محاربه، قول مشهور فقهای امامیه را پذیرفته است. اما در تعیین مصادیق محاربه، سیاست کیفری مقنن با نظر غالب فقهای اسلامی هماهنگ نیست و با مفهومی که خود از محاربه در ماده مزبور بیان داشته است، مطابقت ندارد. زیرا از یک طرف با نادیده انگاشتن تمایزی که در فقه میان محاربه و بغی وجود دارد، در مواد ۱۸۶، ۱۸۷ و ۱۸۸ ق.م.ا مصادیق بغی را که مغایر با مفهوم محاربه مذکور در ماده ۱۸۳ است، محاربه می‌داند. از طرف دیگر سیاست کیفری قانونگذار این است که به منظور پیشگیری از وقوع جرایم مهم علیه حاکمیت داخلی یا خارجی کشور و یا جرایمی که به جمهوری اسلامی ایران لطمه شدیدی وارد می‌کند، و همچنین به منظور سرکوبی عاملان آنها بتواند شدیدترین مجازات یعنی اعدام را برای مرتکبان در نظر بگیرد. قانونگذار برای خروج از محدودیت تعیین مجازاتها و برای رسیدن به مقصود خود که اعمال شدیدترین مجازات یعنی اعدام برای مرتکبان جرایم علیه حاکمیت جمهوری اسلامی است، اقدام به توسعه مصادیق جرم محاربه کرده است. همچنین مواردی را که با مفهوم محاربه و بغی اصلاً مطابقت ندارد، در حکم محارب دانسته است. فارغ از این‌که آیا چنین سیاستی در حدود اختیارات دولت

اسلامی است یا نه، در مقام مقایسه تروریسم با محاربه باید مفهوم اصلی محاربه، مذکور در ماده ۱۸۳ را در نظر گرفت. باتوجه به مجموع مباحث مطرح شده، شباهتها و تفاوت‌های بین این دو توصیف مجرمانه به شرح زیر بیان می‌شود.

۴-۱- مرتکب جرم

در عباراتی که در مقام بیان خصوصیات و ویژگیهای این دو جرم به‌کار گرفته شده، تفاوت معناداری در مرتکب جرم مشاهده نمی‌شود. با وجودی که مرتکب این جرایم ممکن است حتی یک نفر باشد، اما معمولاً ارتکاب این جرایم به صورت گروهی واقع می‌شود عبارت «هرکس» که در مقام بیان مرتکب جرم به کار رفته، پوشش کافی را در شمول عنوان، در صورتی که مرتکبان چند نفر باشند، می‌دهد. اما معضل شکل نوین ارتکاب جرایم در جوامع امروزی به خصوص تروریسم - که محاربه هم قطعاً از این لحاظ تفاوتی با سایر جرایم ندارد - سازمان یافتگی یا ارتکاب جرایم به‌وسیله سازمانهای مجرمانه است. براساس مقررات مربوط به محاربه در حقوق اسلامی و قانون مجازات اسلامی، کیفر محارب فقط برای مباشرجرم قابل اعمال است. معاونت در جرم محاربه از جمله ردا و ظلیع تابع سیاست کلی مربوط به معاونت در جرم است [۳۷، ص ۱۱۴]. به موجب ماده ۴۳ قانون مجازات اسلامی، مجازات معاون در جرم محاربه تعزیر خواهد بود. از طرفی میزان تعزیر معاون هم در این ماده مشخص نشده و مانند ایرادی که در واگذاری انتخاب مجازات اصلی محارب به دادگاه بدون هیچ‌گونه ترجیحی، در واگذاری تعیین میزان تعزیر معاون محارب نیز این ایراد وجود دارد. در حالی که در اسناد بین‌المللی مبارزه با تروریسم نه تنها به مباشر اصلی جرم توجه می‌شود، بلکه نسبت به لزوم شناسایی تمامی همکاران اعم از شرکا و معاونان و تأمین‌کنندگان مالی تروریستها به‌عنوان مجرم نیز تأکید شده‌است. ابهام ماده ۴۳ قانون مجازات اسلامی درخصوص واکنش متناسب نسبت به معاونت در تروریسم، در لایحه مبارزه با تروریسم به‌درستی برای رفع آن اقدام شده‌است. مطابق ماده ۲۳ لایحه مزبور: «معاون در جرم تروریستی به حداقل مجازات مقرر محکوم می‌گردد».

موضوع مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در مباحث و عناوین مختلف مجرمانه به خصوص تروریسم، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. این مسأله در حقوق کیفری مراحل تکامل خود را طی می‌کند و قانونگذار ایران هم باید به این موضوع به‌صورت جدی بپردازد.



شایان ذکر است که در «لایحه مبارزه با تروریسم» به مسؤلیت کیفری اشخاص حقوقی تا حدودی توجه شده است. این امر می‌تواند زمینه‌های یک تحول قانونگذاری در این خصوص تلقی شود. به موجب ماده ۶ این لایحه: «سازمانها، انجمنها، تشکلهای، گروهها و دسته‌هایی که طبق اساسنامه، مرامنامه یا رویه عملی ارتکاب اعمال تروریستی را مجاز دانسته یا اقدام به ارتکاب چنین جرایمی نمایند، گروه تروریستی محسوب خواهند شد، هر چند ارتکاب آن اعمال توسط اعضا و هواداران آنها انجام گرفته باشد».

تبصره: در صورتی که اعضا و هواداران یک سازمان برخلاف اساسنامه یا مرامنامه یا دستورات، اوامر و نواهی سران، مسؤولین یا بالاترین کادر رهبری آن سازمان مرتکب جرایم تروریستی شوند، فقط مرتکبین مسؤولیت داشته و چنین سازمانی تروریستی محسوب نمی‌گردد».

ماده ۲۱ لایحه مزبور برای گروههای تروریستی ضمانت اجرای کیفری متناسب با شخصیت حقوقی آنها در نظر گرفته است. بر اساس این ماده: «گروههای تروریستی علاوه بر مجازاتهای مقرر قانونی، منحل و کلیه اموال، داراییها و حسابهای آنها به نفع دولت جمهوری اسلامی ایران مصادره می‌گردد».

نوآوری دیگر بر اساس نیاز جامعه امروز در لایحه مبارزه با تروریسم، در خصوص مسؤولیت مرتکب جرم تروریسم در مورد نقش دولتها در عملیات تروریستی است. در این صورت با توجه به عدم امکان اعمال مجازات برای دولت به موجب قوانین داخلی کشور دیگر، در ماده ۱۹ لایحه مقرر شده است: «در صورتی که جرم تروریستی قابل انتساب به دولت یا دولتهای خارجی باشد که مطابق قوانین داخلی ایران امکان طرح دعوای حقوقی علیه آن دولتها وجود دارد، مرتکب و دولت خارجی مربوطه متضامناً مسؤول جبران خسارت خواهند بود».

ابهامات مربوط به معاونت در جرم، مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی و چگونگی واکنش نسبت به دولتهایی که در پدیده تروریسم ایفای نقش کرده‌اند، فارغ از ماهیت مستقل تروریسم از محاربه، نیاز به اصلاح قوانین مرتبط را آشکار می‌کند.

۴-۲- رفتار مجرمانه

رفتار مرتکب جرم تروریستی، عبارت از فعل مثبت اعم از مادی یا غیرمادی است و ترک فعل نمی‌تواند موجب تحقق این جرم شود. انجام فعل به وسیله مرتکب این جرم، ممکن است عنصر

مادی جرایم عمومی دیگر باشد. به عبارت دیگر تروریسم برخلاف دیگر جرایم، رفتار مجرمانه اختصاصی ندارد و رفتار مرتکب آن می‌تواند، عنصر مادی سایر جرایم باشد. مسأله مهم این است که فعل مرتکب باید خشونت آمیز باشد.

خشونت، معادل واژه Violence در زبان فرانسوی و انگلیسی است. خشونت را نیز باید مانند تروریسم از مقولاتی دانست که هر چند تشخیص آن برای همگان بدیهی می‌باشد اما در مقام تعریف بسیار مبهم است. با دقت در معانی و تفاسیری که تا به حال از خشونت به عمل آمده، معلوم می‌شود که خشونت امری کاملاً نسبی است و متناسب با زمان و مکان تغییر ماهیت و معنی می‌دهد.

به‌طور کلی خشونت عمل فرد معینی است که به جان یا مال یا شرف دیگران تعرض و حمله می‌کند. چنین خشونتی را خشونت انفرادی می‌گویند. ولی ممکن است خشونت به‌وسیله عده معین و یا گروه خاصی انجام پذیرد. در زمان فعلی، نمونه‌های فراوانی از خشونت‌های دسته جمعی و گروهی به چشم می‌خورد. گاه خشونت وسیله وصول به هدف خاصی است که مرتکب یا مرتکبان، به منظور خاص و برای نیل به هدف معین از آن استفاده می‌کنند. اما گاهی خشونت بدون هیچ‌گونه هدف خاص و فقط ایجاد رضایتی بی‌حاصل برای مرتکب واقع می‌شود. گاهی خشونت به‌صورت عمل حاد و آنی و بدون هیچ‌گونه نقشه قبلی اتفاق می‌افتد و گاه نیز برعکس، به‌صورت اعمال حساب شده و با طرح و نقشه‌های قبلی [۴۷، صص ۲۸-۲۹].

درغالب تعاریف در خصوص تروریسم، فعل مرتکب با اقدامی خشونت‌آمیز توصیف شده‌است. مطابق تحقیقات الکس اشمیت^۱ - که با گردآوری بیش از یک صد تعریف مختلف از تروریسم، که در سطح وسیعی از مراکز علمی بیان شده‌است - عنصر خشونت و زور به عنوان مهمترین جز تعریف در بیش از ۸۳ درصد از تعاریف گنجانده شده‌است [۴۸، ص ۵]. رفتار مجرمانه محارب، دست به اسلحه بردن یا اسلحه کشیدن به روی مردم است. در حالی که، رفتار مجرمانه تروریسم رفتار خشونت‌آمیز یا تهدید به استفاده از خشونت علیه اشخاص یا اموال، تأسیسات عمومی، محیط زیست و غیره است. بنابراین دامنه و قلمرو رفتار مجرمانه تروریسم بسیار گسترده‌تر از محاربه است. تروریسم لزوماً مقید به به‌کارگیری و استفاده از اسلحه نشده و صرف تهدید به استفاده از خشونت هم می‌تواند موجب تحقق تروریسم شود؛ چنانچه در ماده یک لایحه مبارزه با تروریسم آمده‌است: «ارتکاب یا تهدید به

1. Alex P. schmidt



ارتکاب جرایم و اقدامات خشونت‌آمیز از طریق به وحشت افکندن مردم جهت تأثیرگذاری بر خط‌مشی، تصمیمات و اقدامات دولت جمهوری اسلامی ایران، سایر کشورها و سازمانهای بین‌الدولی، جرم تروریستی محسوب می‌شود».

بنابراین محاربه می‌تواند مصداق تروریسم باشد، اما همه مصداق تروریسم مشمول عنوان محاربه نمی‌شود. لایحه مبارزه با تروریسم ایران نیز با در نظر داشتن چنین ارتباطی، در ماده ۱۴ خود پیش‌بینی کرده است: «در صورتی که عمل صورت گرفته محاربه تلقی گردد، مرتکب مشمول مجازات محاربه می‌شود». نکته قابل توجه این که هر زمان قانونگذار در متن قانون عباراتی را بدین مضمون «چنانچه محاربه شناخته شود» بیان می‌کند، ملاک تشخیص و مصداق آن تعریف مذکور در ماده ۱۸۳ قانون مجازات اسلامی است. در این ماده هم دو ملاک برای تحقق محاربه شناخته شده است: ۱- دست به اسلحه بردن؛ ۲- قصد ایجاد رعب و وحشت یا قصد سلب آزادی و امنیت مردم.

۳-۴- موضوع و دامنه جرم

موضوع اصلی هر دو جرم تروریسم و محاربه سلب امنیت عمومی است که با ایجاد رعب و وحشت برای مردم محقق می‌شود. با وجود این، برای تحقق تروریسم لازم نیست مستقیماً امنیت عمومی سلب گردد. به خصوص در مواردی که تروریستها برای رسیدن به مقصود خود آماج معینی را هدف حملات خود قرار می‌دهند. مانند سوء قصدهای سیاسی و ترور افراد مورد حمایت بین‌المللی که تردیدی در تروریستی بودن آنها نیست. در این قبیل اقدامات، قربانی و هدف یکی است و موضوع حمله، مردم نیستند. در حالی که با توجه به تعریف محاربه، اگر هدف مرتکب سلب آزادی و امنیت مردم نباشد، اقدام او محاربه نیست. در عین حال در خصوص لزوم سلب امنیت مردم (نتیجه مجرمانه) در محاربه، اختلاف نظر است و بعضی آن را جرم مقید و بعضی مطلق می‌دانند (۳۷، صص ۹۸-۱۰۰).

از طرفی طبیعت جرم تروریسم به گونه‌ای است که امکان تحقق آن از طرق گوناگون وجود دارد. به عبارت دیگر تروریسم ماهیت مستقل و بالذاتی ندارد و در هر زمان با توجه به پیشرفتهای تکنولوژی، صنعتی و ارتباطات، دامنه و شیوههای وقوع این جرم نیز تنوع می‌یابد. درحالی که رفتار محاربه متنوع نیست و مقید به کار بردن اسلحه است.

۴-۴- قصد ایجاد وحشت و ناآمنی در مردم

وجود سؤنیت خاص و قصد مجرمانه در هر دو جرم ضروری است. قصد ایجاد رعب و وحشت وجه مشترک رکن روانی در این دو جرم است و یکی از وجوه ممیزه آنها از سایر جرایم عادی است. بدین ترتیب، هر چند در جرایمی از قبیل قتل، سرقت مسلحانه (مستوجب تعزیر) و غیره، ممکن است عنصر مادی آنها خشونت باشد و حتی موجب رعب و وحشت هم شود، اما در این گونه جرایم هدف مرتکب، فقط متوجه قربانیان مستقیم جرم است. به عنوان مثال، سؤنیت خاص در جرم قتل عمدی قصد سلب حیات از فرد مورد نظرش است و سارق مسلحی که به محل مورد نظر خود دستبرد می‌زند قصد دارد بدون متوجه شدن کسی به اموال دستبرد بزند. مسلم است شاهدان و افرادی که در صحنه حضور دارند وحشت خواهند کرد، اما این نتیجه مورد نظر سارق نیست. در حالی که در جرایم محاربه و تروریسم هدف اولیه مرتکب ایجاد رعب و وحشت عمومی، برای ترساندن مخاطبانش است؛ هر چند که از این طریق بخواهند اموالی را هم غارت و چپاول کند. بنابراین هر گاه در ارتکاب جرم، ارباب جنبه نوعی یا عمومی نداشته باشد و متوجه شخص یا گروه معینی و یا برای دشمنی و انتقام‌گیری شخصی باشد، عنوان محاربه و یا تروریسم بر او قابل انطباق نیست.

با وجودی که در محاربه و تروریسم قصد ایجاد وحشت و سلب آزادی و امنیت مردم وجود دارد، اما به نظر می‌رسد، تروریستها با این اقدام خود قصد رساندن پیامی به مخاطبان واقعی خود دارند. آنها می‌خواهند از این طریق به خواسته‌های خود نزد آنان برسند که این عنصر انگیزه مرتکب است.

۴-۵- انگیزه مجرمانه

انگیزه ارتکاب جرم می‌تواند به عنوان یکی از جهات ممیز محاربه و تروریسم باشد. هدفی که مرتکبان عملیات تروریستی دنبال می‌کنند سبب ایجاد دیدگاههای متعارض در تشخیص اقدامی تروریستی شده است. بدین ترتیب، شخص از یک منظر تروریست و از منظر دیگر قهرمان یا مبارز راه آزادی شناخته می‌شود. در حالی که چنین اختلافی در مورد محارب وجود ندارد. زیرا در اقدام محارب، انگیزه تأثیری ندارد و مرتکب آن مستحق مجازات متناسب با اقدام مجرمانه خود است. تروریستها سعی می‌کنند برای اقدامات خود توجیهی داشته باشند. غالب تروریستها خود را انسانی نوع دوست که بر اساس اعتقادات و در

راستای تحقق عدالت و براندازی ظلم قیام کرده‌اند، معرفی می‌کنند. در ماده یک لایحه مبارزه با تروریسم، عبارت «جهت تأثیرگذاری بر خط مشی، تصمیمات و اقدامات دولت جمهوری اسلامی ایران، سایر کشورها و سازمانهای بین‌الدولی» به‌عنوان انگیزه مورد توجه قرار گرفته است.

۴-۶- قربانیان جرم

معمولاً آماج حملات تروریستی غیر نظامی و تصادفی است. به نظر می‌رسد در مورد محاربه هم چنین ویژگی وجود دارد. در حقیقت محاربین و تروریستها برای رسیدن به اهداف و استمرار در اقدامات خود مجبورند قربانیانشان خود را از بین غیر نظامیان و به طور تصادفی انتخاب کنند. در عین حال در مسائل سیاسی، مرتکب در انتخاب قربانیان خود سعی دارد به نوعی وابستگی آنان به نظام حاکم و یا گروه و جمعیت سیاسی یا حزبی خاص توجه کند تا بدین طریق پیام خود را به مخاطبان خود برساند.

۵- نتیجه‌گیری

شباهتهای جرم محاربه با تروریسم نباید موجب القای این شبهه شود که تروریسم و محاربه مفهوم یکسانی دارند و با وجود عنوان محاربه، نیازی به جرم‌انگاری تروریسم در نظام حقوق کیفری ایران وجود ندارد. تروریسم یک عنوان مجرمانه عمومی است و رفتار مجرمانه آن مصادیق مختلفی از جمله قتل و سوء قصد به جان اشخاص، گروگان‌گیری، تخریب اموال، بمب‌گذاری، هواپیما ربایی می‌تواند باشد. تروریسم ماهیت پویایی دارد و مصادیق آن در طول زمان با تحول روبه‌رو بوده‌است. گسترش شیوه‌ها و ابزارهای ارتکاب جرایم تروریستی متناسب با زمان متحول شده‌است. سازمان یافتگی جرایم تروریستی، یکی از ویژگیهای این دسته از جرایم است. برای تحقق این جرم بر خلاف گذشته، نیازی به ارتکاب رفتار خشونت آمیز نیست. تروریستها غالباً از پشتوانه‌ای فلسفی، ایدئولوژیکی، قومی، نژادی، فرهنگی و اخلاقی برخوردارند و در صدد تغییر نظام حاکمند. در حالی که حدود و چارچوبه رفتار مجرمانه محارب برای تحقق جرم، به عنوان یکی از جرایم مستوجب حد، در قانون دقیقاً مشخص شده‌است و نمی‌توان خارج از مقصود قانونگذار مصادیق دیگری را به آن اضافه کرد. از طرفی عملی که ماهیت محاربه است را نمی‌توان در قالبی دیگر از جمله تروریسم جای داد. بنابراین کارکرد خاص هر یک از عناوین را باید حفظ کرد. فارغ از

ارزیابی محتوایی لایحه مبارزه با تروریسم، از آنجا که تهیه و تنظیم آن با این رویکرد بوده- است، بررسی و تصویب آن در مجلس شورای اسلامی می‌تواند به خلأ قانونی موجود در خصوص تروریسم پایان دهد.

۶- منابع

- [1] Report of High level panel on Threats Challenges and changes, "A more secure world: our sbared responsibility", A/59/565/2Dec.2004.in:www.un.org/secureworld/
- [۲] محمودی جانکی، محمود، «امنیت و ناآمنی از دیدگاه سیاست جنایی»، قابل دسترسی در: بانک اطلاعات قوانین کشور، دادگستری استان تهران، در: www.Ghavanin.com
- [۳] اردبیلی، محمد علی، حقوق جزای عمومی، ج ۱، تهران، نشر میزان، ۱۳۷۹.
- [۴] آقا بابایی، حسین، «گفتمان فقهی و جرم انگاری در حوزه جرایم علیه امنیت ملت و دولت»، مجله فقه و حقوق، سال دوم، تابستان ۱۳۸۴.
- [5] S/RES/1373(2001)
- [6] <http://WWW.un.org/DOCS/SC/Committees/1373>
- [7] *Webster's Third New international dictionary*. Massachusetts, Martin-Webster inc.1986.
- [8] *Oxford Advanced Learen's Dictionary*. Fourth Edition, Oxford University press 1991.
- [9] The American Heritag, *Dictionary of the English language*, Fourth, Edition 2000.
- [10] WWW.Terrorism.Org. Definition of Terrorism.
- [۱۱] لغت‌نامه دهخدا، ج ۵، چ ۲، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
- [۱۲] ابن منظور، ابوالفضل، *لسان العرب*، ج ۸، بیروت، دارالتراث العربی، ۱۴۰۸ هجری قمری.
- [13] Harith Suleiman Faruqi, *FARUQI,s law Dictionary*, English – Arabic, 1991
- [۱۴] غازی، خزعل، «الارهاب: رؤیتان متضادتان»، در: WWW.U-of-islam-net
- [۱۵] آیات: ۴۰ بقره، ۳۲ قصص، ۶۰ انفال و ۱۳ حشر.
- [۱۶] آقابخشی، علی، فرهنگ علوم سیاسی، تهران، نشر چاپار، ۱۳۷۹.
- [17] Pillar, Paul, *Terrorism and U.S. Foreign policy*, Washington .D .C: The Brooking Institution.2001.
- [18] Robert, A. Fraid lander, *Terrorism and the law: What price safety?* Gaithers burg, MD: IACP,1981.
- [19] Office Of Goordinator For Counterterrorism Patterns Of Global Terrorism 2002 Us Department of State Publication 11038 (Washington Dc: State Department April 2003).

- [20] See Bruce, Hoffman, Inside Terrorism, Defining Terorism, at: www.nytimes.com/books/bn/isbn?sourceid=56/30&ISBN=0231114680
- [۲۱] فلوری، موريس، حقوق بين‌الملل: ابزاری برای مبارزه با تروریسم، ترجمه سید قاسم زمانی، تروریسم: تاریخ، جامعه‌شناسی، گفتمان، حقوق، تهران، نشرنی، ۱۳۸۲.
- [۲۲] بیرو، آلن، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساروخانی، تهران، انتشارات کیهان، ۱۳۷۰.
- [۲۳] شاملو، باقر، تفکیک بین تروریسم و جرایم سیاسی، مجموعه مقالات و سخنرانیهای ارائه شده در همایش: تروریسم و دفاع مشروع از منظر اسلام و حقوق بین‌الملل، مرکز مطالعات توسعه قضایی و دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری، تابستان ۱۳۸۱.
- [24] "The New Encyclo Paedia Britannica", Vol.11, Micropaedia 1986, P650
- نقل از: طیب، علیرضا، تروریسم در فرازو فرود تاریخ، «تروریسم تاریخ جامعه‌شناسی، گفتمان حقوق»، پیشین.
- [25] Rosie, G. *The Dictionary of International Terrorism*, New York: Paragon House. 1987.
- [26] Jenkins, B.M. (ed), *Terrorism and personal Protection*, Boston, Buterworth Publishers, 1985.
- [۲۷] هیگینز، روزالین، حقوق بین‌الملل عام تروریسم، ترجمه زهرا کسمتی، تروریسم: تاریخ، جامعه‌شناسی، گفتمان، حقوق، تهران، نشرنی، ۱۳۸۲.
- [۲۸] نقل از: امیر ارجمند، اردشیر، «تروریسم و تحولات حقوق بشر دوستانه بین‌المللی»، مجله پژوهش حقوق و سیاست، پاییز ۸۴، مجموعه مقالات همایش: رسالت رسانه‌های گروهی ایران؛ دیدگاهها و چالشهای بشر دوستانه.
- [29] A/Res/60/1, 24 Oct, 2005
- [30] UN Ad Hoc Committee on Terrorism, Comprehensive Convention [draft], Article2 – A/C.6/56/L.9, annex I.B.
- [31] Code penal France, book IV. Felonies and misdemeanours against the nation, the state and the public peace.
- [۳۲] فرهنگ بزرگ جامع نوین، سیاح، ج ۲، چ ۱۵، تهران، انتشارات اسلام، ۱۳۷۱.
- [۳۳] راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، قاهره، مکتبه الانجلاومصریه، ۱۹۷۰ م.
- [۳۴] هاشمی شاهرودی، محمود، بایسته‌های فقه جزا، تهران، نشرمیزان، ۱۳۷۸.
- [۳۵] عوده، عبدالقادر، التشریح الجنایی الاسلامی، ج ۲، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۱۳ ه. ق.
- [۳۶] الحصری، احمد، السیاسه الجزائیه، الحدود و الاشریه فی فقه الاسلامی، ج ۲، بیروت، دارالجیل، ۱۹۹۳ م.

- [۳۷] حبیب زاده، محمد جعفر، بررسی جرم محاربه و افساد فی الارض، تهران، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۹.
- [۳۸] شیخ طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۳، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
- [۳۹] محمدی گیلانی، محمد، حقوق کیفری در اسلام، ج ۱، تهران، انتشارات المهدی، ۱۳۶۱.
- [۴۰] الهیان، مجتبی، نگرش فقهی و حقوقی پیرامون احکام مدون قصاص و در فقه امامیه، انتشارات مجتمع آموزش عالی قم، ۱۳۷۲.
- [۴۱] فیض، علیرضا، مقارنه و تطبیق در حقوق جزای عمومی اسلام، ج ۲، تهران، وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۴.
- [۴۲] مؤمن، محمد، کلمات سدید، قم، انتشارات جامعه مدرسین، بی تا.
- [۴۳] مرعشی، سید محمد حسن، محاربه و افساد فی الارض، قابل دسترسی در: <http://www.Ghavanin.com>
- [۴۴] محقق حلی، شرایع الاسلام، ج ۴، تهران، انتشارات اعلی، ۱۹۶۹م.
- [۴۵] نجفی، شیخ محمد حسن، جواهر الکلام، ج ۴۱، چ ۷، بیروت، انتشارات دار احیاء التراث العربی، ۱۹۸۱.
- [۴۶] ابن ادریس، السرائر، ج ۳، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۱ ه. ق.
- [۴۷] پاسخهایی به خشونت، گزارش کمیته مأمور در امر خشونت و بزهکاری تحت ریاست آلن پرفیت، ترجمه مرتضی محسنی، گنج دانش، تهران، ۱۳۷۸.
- [48] Alex p. Schmidt & Albert I.Jongman, *Political terrorism*. SWIDOC, Amsterdam and Transaction Books. 1988.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی